



رویکرد سیاست جنایی ایران در قبال بزهدیدگی زنان و کودکان در فضای مجازی



دکتر هادی کرامتی معز
عضو هیئت علمی دانشگاه

پریسا زند راد مجرد

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

فضای مجازی با گسترش روزافزون خود، به یکی از مهم‌ترین بخش‌های زندگی روزمره تبدیل شده و در عین حال، بستری برای وقوع انواع جرایم و بزهدیدگی‌ها فراهم کرده است. زنان و کودکان به‌عنوان گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه، بیشترین خطرات را در این فضا تجربه می‌کنند. مقاله حاضر با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی رویکرد سیاست جنایی ایران در قبال بزهدیدگی زنان و کودکان در فضای مجازی می‌پردازد و تلاش دارد تا نقاط قوت و ضعف این سیاست‌ها را شناسایی و تحلیل کند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که طبقه‌بندی محتوای فضای مجازی بر حسب سن، نقش شورای عالی فضای مجازی، آموزش فرهنگ‌سازی استفاده صحیح از فضای مجازی و استفاده کارآمد از فضای مجازی علیه تهدیدات این فضا مهم‌ترین سیاست جنایی کنشی در قبال بزهدیدگی زنان و کودکان در فضای مجازی است و واکنش‌های قانونی در قبال بزهدیدگی در فضای مجازی مبتنی بر قانون حمایت اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، قانون جرایم رایانه‌ای و قانون نحوه مجازات فعالان امور سمعی و بصری است و همچنین راهکارهایی نظیر تصویب لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان



در برابر خشونت، پیش‌بینی و اصلاح قوانین مربوط و حمایت کیفری سازمان‌های مردم‌نهاد از بزه‌دیدگی کودکان و بانوان، مهمترین راهکارهای سیاست جنایی واکنشی در قبال بزه‌دیدگی زنان و کودکان در فضای مجازی است.

علی‌رغم وجود برخی قوانین و تلاش‌ها، هنوز کاستی‌های قابل توجهی در قوانین، اجرای آنها و آگاهی عمومی وجود دارد. بهبود قوانین و مقررات، تقویت تخصص و فناوری‌های نهادهای اجرایی، افزایش آگاهی عمومی و ارائه حمایت‌های روانی و اجتماعی از بزه‌دیدگان، از جمله راهکارهایی است که می‌تواند بهبود قابل توجهی در وضعیت موجود ایجاد کند.

کلیدواژه‌ها: بزه‌دیدگی زنان، بزه‌دیدگی کودکان، سیاست جنایی، فضای مجازی، شورای عالی فضای مجازی.

مقدمه

با گسترش روزافزون فناوری‌های ارتباطی و اینترنت، فضای مجازی به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی افراد تبدیل شده است. این تحول بزرگ در کنار مزایای فراوانی که به همراه داشته، زمینه‌ساز ظهور نوع جدیدی از بزهکاری شده است که به‌ویژه زنان و کودکان را هدف قرار می‌دهد. این گروه‌های آسیب‌پذیر به دلیل ویژگی‌های خاص خود، بیشتر در معرض خطرات فضای مجازی مانند سوءاستفاده‌های جنسی، آزار و اذیت روانی و بهره‌کشی‌های اقتصادی قرار می‌گیرند.

در ایران، همانند بسیاری از کشورهای دیگر، نیاز به تدوین و اجرای سیاست‌های جنایی مؤثر برای مقابله با این نوع بزه‌کاری احساس می‌شود. رویکرد سیاست جنایی در قبال بزه‌دیدگی زنان و کودکان در فضای مجازی، به‌عنوان یکی از چالش‌های مهم اجتماعی و قانونی، نیازمند بررسی دقیق و جامع است. این رویکرد باید شامل تدوین قوانین حمایتی، افزایش آگاهی عمومی، آموزش خانواده‌ها و تقویت همکاری‌های بین‌نهادی باشد تا بتواند به صورت کارآمد از حقوق و امنیت این افراد حمایت کند.

این مقاله به بررسی سیاست جنایی ایران در قبال بزه‌دیدگی زنان و کودکان در



فضای مجازی می‌پردازد. ابتدا به تحلیل وضعیت سیاست جنایی کنشی و سپس به رویکرد سیاست جنایی واکنشی فعلی قوانین و مقررات موجود در این زمینه می‌پردازیم و سپس با بررسی نقاط قوت و ضعف این قوانین، پیشنهادهایی برای بهبود و تقویت آن‌ها ارائه خواهیم داد. هدف اصلی این تحقیق، ارائه راهکارهایی عملی برای کاهش بزه‌دیدگی در فضای مجازی و ارتقای امنیت زنان و کودکان در این فضا است.

۱. سیاست جنایی کنشی در قبال بزه‌دیدگی زنان و کودکان در فضای مجازی

زنان و کودکان به دلیل ویژگی‌های خاص خود، از جمله آسیب‌پذیری بیشتر و نداشتن توانایی کافی برای دفاع از خود، در معرض خطرات جدی‌تری قرار دارند. این مخاطرات می‌توانند شامل انواع مختلفی از بزه‌دیدگی، از جمله آزار و اذیت جنسی، تهدید، قلدری اینترنتی، کلاهبرداری و بهره‌کشی آنلاین باشند. این نوع جرایم نه تنها بر سلامت روانی و جسمی قربانیان تأثیر می‌گذارند، بلکه می‌توانند پیامدهای اجتماعی و خانوادگی گسترده‌ای نیز داشته باشند.

در این میان، سیاست جنایی به عنوان مجموعه‌ای از تدابیر و استراتژی‌های قانونی و اجرایی که به منظور پیشگیری، کنترل و مقابله با جرم‌ها اتخاذ می‌شود، نقشی بسیار حیاتی ایفا می‌کند. سیاست جنایی کنشی به معنای رویکردی فعال و پیشگیرانه است که تلاش می‌کند تا با شناسایی و رفع عوامل زمینه‌ساز جرم، از وقوع آن جلوگیری کند و یا اثرات آن را به حداقل برساند.

در این قسمت، به بررسی سیاست جنایی کنشی در قبال بزه‌دیدگی زنان و کودکان در فضای مجازی پرداخته می‌شود. با تحلیل دقیق و جامع این مسئله، می‌توان به راهکارهایی عملی و کارآمد دست یافت که نه تنها به کاهش بزه‌دیدگی کمک می‌کنند، بلکه محیطی امن‌تر و سالم‌تر برای تمامی کاربران فضای مجازی فراهم می‌سازند.

۱-۱. طبقه‌بندی محتوای فضای مجازی بر حسب سن

به‌واسطه سرعت روزافزون پیشرفت، همواره فناوری ارتباطات و اطلاعات چند گام جلوتر از علم حقوق در حرکت است و جهت پویا ماندن قواعد حقوقی در رابطه با



محیط دیجیتال، محصور نشدن در قوانین امری مهم تلقی می‌شود. اتخاذ راهبردی تحت عنوان تعیین سن دیجیتال در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان می‌تواند به‌عنوان یک اصل جهت تدوین قوانین بعدی در زمینه حمایت از کودکان در محیط دیجیتال کارساز باشد.

برخی از کشورها که پردازش داده‌های شخصی خود را تحت آیین‌نامه جامع حفاظت از داده‌ها^۱ انجام می‌دهند، اقدام به اتخاذ چنین راهبردی کرده‌اند. برای مثال، کشور بلژیک، دانمارک، فنلاند، انگلستان و سوئد رضایت کودکان ۱۳ سال و بالاتر را در زمینه پردازش داده‌های شخصی ملاک قرار می‌دهند و این عدد در کشورهایی مانند هلند و آلمان ۱۶ سال در نظر گرفته شده است (Cansu Caglar, ۲۰۲۳) و در تدوین سایر قوانین، جهت حضور امن کودکان در محیط دیجیتال نیز ملاک عمل است. اتخاذ چنین رویکرد و پیشنهاد ماده‌ای تحت عنوان تعیین سن دیجیتال جهت افزودن به قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، دروازه‌ای جهت ورود به گفتمان حمایت از کودکان و نوجوانان در محیط دیجیتال است.

فناوری‌های نوین مخاطبان خود را به‌صورت فرد در نظر می‌گیرد؛ بنابراین کاربران فضای سایبر فاقد خصلت «توده» هستند و اقتضای توده نبودن کاربران، این است که به جای تدابیر محتوامحور کردن دسته‌ای از پیام‌ها برای عموم کاربران، در یک طبقه بندی کاربر محور، تدابیر متناسب با سن و جنسیت، شغل و...، محتوا را دسته بندی نموده و رده‌های مختلفی از دسترسی را ایجاد کنیم (علیزاده طباطبایی، ۱۴۰۱: ۵۲۳). در فضای مجازی، برچسب زنی محتوا به این منظور صورت می‌گیرد که افراد پیش از مواجهه با محتوا، از مناسب بودن آن آگاه شوند. از این‌رو تفکیک کاربران باید از نظر سطح دسترسی بر مبنای آن انجام شود؛ باید محتوایی که یک پزشک یا استاد دانشگاه به آن دسترسی پیدا می‌کنند با محتوایی که کودک و نوجوان در فضای مجازی در دسترس دارد متفاوت باشد. از این حیث، با سطح‌بندی کردن فضای مجازی می‌توانیم از بزه‌دیدگی کودکان در فضای مجازی پیشگیری کنیم.

۱. GDPR



۲-۱. نقش شورای عالی فضای مجازی

از آنجاکه شورای عالی فضای مجازی در امر تولید محتوا و نظارت بر آن در فضای مجازی ایفای نقش می‌کند، به‌نوعی می‌تواند در امر پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان در شبکه‌های مجازی نیز تأثیرگذار باشد. شبکه‌هایی نظیر فیس‌بوک و توئیتر ابزاری برای انتشار محتوا هستند که در صورت فقدان نظارت، می‌توانند خسارات جبران‌ناپذیری در حوزه فردی و عمومی به بار بیاورند، اما شورای عالی فضای مجازی از طریق اعمال نظارت دقیق بر این فضا و از بین بردن زمینه‌های ارتکاب جرم در شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و توئیتر می‌تواند از بزه‌دیدگی پیشگیری کند.

تا قبل از تشکیل شورای عالی فضای مجازی، سازوکار مشخصی برای نظارت بر این‌گونه شبکه‌ها وجود نداشت، ایجاد شورا می‌تواند خلأ موجود در این حوزه را به‌خوبی پوشش دهد (منصورآبادی، میرخلیلی و کرامتی معز، ۱۴۰۰: ۳۹-۴۰).

از این‌رو نقش شورای عالی فضای مجازی در راستای تدابیر نظارتی در محور پیشگیری وضعی از بزه‌دیدگی کودکان و بانوان در فضای مجازی کلیدی و مهم است که تاکنون توجه کافی و لازم به آن نشده است.

در خصوص ظرفیت شورای عالی فضای مجازی نیز باید گفت که گستره ظرفیت شورای عالی فضای مجازی برای مقابله با تهدیدات و جرایم علیه اطفال در فضای مجازی بسیار بیش از ارائه طرح و راهکارهایی است که در حال حاضر در این زمینه انجام داده است؛ هرچند به‌عنوان یک نهاد بالادستی وظیفه تبیین سیاست‌های کلان را دارد و ارائه طرح‌ها، بخشی از وظایف این نهاد است، اما ارائه پیشنهادها و اجرایی و تعامل با پلیس فتا و دستگاه قضایی از دیگر وظایف آن‌ها است.

علیرغم اقدامات صورت‌گرفته توسط این شورا، تاکنون متأسفانه همچنان سند یا مقررات جدی که در حوزه حفاظت از کودکان و بانوان در قبال جرایم علیه آن‌ها در فضای مجازی باشد به تصویب نهایی و مرحله اجرا نرسیده است. این شورا دارای معاونت فرهنگی، اجتماعی و امور محتوایی است و همین‌طور کمیسیون‌های مختلفی نظیر کمیسیون عالی امنیت، کمیسیون عالی تنظیم مقررات، کمیسیون عالی ارتقای



تولید محتوا دارد که هر کدام از اعضای مطلع تشکیل شده‌اند و چهارچوب وظایف‌شان به هر صورت با کودک و نوجوانان و جلوگیری از وقوع بزه علیه آن‌ها مرتبط است و باید از این ظرفیت برای تولید محتوای بازدارنده و آموزشی جهت جلوگیری از بزه‌دیدگی کودکان و زنان بهره برد.

۳-۱. آموزش فرهنگ سازی استفاده صحیح از فضای مجازی

منظور از نهادینه کردن فرهنگ استفاده صحیح از فضای مجازی امری فراتر از رعایت تدابیر و اقدامات حفاظتی برای در امان ماندن از مخاطرات این فضا است. در واقع این امر را می‌توان به معنای نهادینه کردن افکار و عقاید مثبت و مشروع نسبت به این فضا در جامعه دانست که می‌تواند در جهت پیشگیری از بزه‌کاری جرایم سایبری علیه زنان کمک کند و نتیجه آن پرورش کاربرانی مفید و مؤثر در این فضا است.

در راستای رسیدن به این هدف باید از ابزارهای تبلیغاتی و آموزشی استفاده نماییم تا ماهیت فضای مجازی را به‌عنوان ابزاری جهت کمک به بشریت در راستای فعالیت‌های روزمره خود معرفی کنیم و همواره به دنبال آن باشیم که از این فضا برای تسهیل و تسریع در امور خود استفاده نماییم (کرامتی معز، ۱۳۹۹: ۱۶۵).

تبیین فرهنگ استفاده این فضا و ترویج و نهادینه کردن این فرهنگ در جامعه از اقدامات اساسی قلمداد می‌شود که باید با تمسک به ابزارهای اطلاع‌رسانی آن را عملی کرد (اسلامی، ۱۳۹۵: ۹۸). باید با استفاده از ابزارهای تبلیغاتی و آموزشی، ماهیت فضای سایبری را به‌گونه‌ای تعریف کرد که جامعه، دنیای مجازی را به‌عنوان ابزاری جهت کمک به بشریت در راستای فعالیت‌های روزمره خود بشناسد و همواره به دنبال این باشد که از فضای سایبری برای تسهیل و تسریع در امور خود استفاده نماید.

۴-۱. استفاده کارآمد از فضای مجازی علیه تهدیدات این فضا

فضای مجازی به‌عنوان زیستگاه دوم و البته موازی بشر امروزی، نه تنها ممکن است بستر بزه‌دیدگی را فراهم کند، بلکه این توانایی و قابلیت را دارد که در امر پیشگیری از جرم و بالتبع پیشگیری از بزه‌دیدگی استفاده شود (شاه‌محمدی و تاهو، ۱۳۹۳: ۱۰۹). شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌طور مطلق نه تهدید هستند و نه فرصت، اما هم‌زمان،



هم تهدید به شمار می‌روند هم فرصت؛ بستگی دارد به اینکه از چه زاویه‌ای به آن نگاه می‌شود. این شبکه‌ها از نظر فناوری، نقطه اوج بلوغ فناوری اطلاعات به شمار می‌روند. شبکه‌های اجتماعی مجازی بر قله فناوری اطلاعات و فضای سایبر ایستاده‌اند و دست کم تا دو دهه آینده از نظر فناوری، نباید بدیلی برای آن‌ها قائل بود. ممکن است سایت‌های شبکه‌های اجتماعی یا انواع آن‌ها تغییر کند، اما کارکرد و فرآیند و مکانیزم عمل آن‌ها همچنان ثابت باقی خواهد ماند. اگر نگاه سلبی به این شبکه‌ها در جامعه‌ای حاکم شود، نتیجه‌اش فیلترینگ و پالایش خواهد بود و حاصل آن نادیده انگاشتن فرصت‌های ایجاد شده توسط آن‌هاست. اما اگر نگاه ایجابی به این شبکه‌ها در جامعه حاکم شود، نتیجه‌اش تدابیر تشویقی و فرصت تلقی کردن آن‌ها و استفاده از ظرفیت‌های این شبکه‌ها در امور مختلف علمی-آموزشی و تربیتی خواهد بود (کرامتی معز، ۱۳۹۹: ۱۲).

زندگی در فضای مجازی می‌طلبد که از ظرفیت‌های این فضا علیه تهدیدات آن استفاده شود. در واقع بهترین راه پیشگیری از تهدیدات فضای مجازی، به کارگیری خود این فضا است، چراکه پیشرفت فضای مجازی امری دوسویه است، به این معنی که هم در جهت تهدیدات و هم در جهت پیشگیری از این تهدیدات، در حال تکامل است و لذا بهترین سیاست برای کم کردن ریسک تهدیدات فضای مجازی برای بزه‌دیدی جنسی کودکان، استفاده از قابلیت‌های این فضا است.

فضای مجازی به دلیل گسترش خیره‌کننده‌اش نیازمند استراتژی و سیاست‌های فعال است (۲۰۲: ۲۰۲۰: Marzban, E. & Rezayan)، تا بتوانند همگام و حتی پیش‌گامانه‌تر از تهدیدات این فضا اجرا شوند. چنین سیاستی در ایران، بیشتر از آنکه فعال باشد، منفعل است. شاید بتوان این انفعال را در بند ۱۶ ماده ۴ سند صیانت از کودکان و نوجوانان مشاهده کرد که تعامل مؤثر با کشورها و سرویس‌دهندگان خارجی را به‌منظور رعایت استانداردها و معیارهای کشور لازم می‌داند. این در صورتی است که رعایت استانداردهای موردنظر کشور باید با سیاست‌گذاری‌های خردگرایانه و علم‌محور مراعات شوند و بعد برای تکامل و گسترش آن به تعاملات فرامرزی اندیشید.



۲. سیاست جنایی واکنشی در قبال بزه‌دیدگی زنان و کودکان در فضای مجازی

سیاست جنایی واکنشی، که بر واکنش قانونی و قضایی به جرایم پس از وقوع آنها تمرکز دارد، یکی از ابزارهای اساسی در مقابله با این نوع بزه‌دیدگی است. این سیاست شامل مجموعه‌ای از تدابیر قانونی، قضایی و اجرایی است که به منظور حمایت از بزه‌دیدگان و مجازات مجرمان اتخاذ می‌شود. اما سؤال اساسی اینجاست که آیا سیاست‌های فعلی در مواجهه با بزه‌دیدگی زنان و کودکان در فضای مجازی کارآمد و کافی هستند؟

مطالعات نشان می‌دهند که به رغم وجود قوانین و مقررات مختلف، همچنان نقاط ضعف قابل توجهی در فرآیند پیگیری و رسیدگی به این جرایم وجود دارد. بسیاری از بزه‌دیدگان به دلیل ترس از انتقام‌جویی، شرم اجتماعی، یا عدم آگاهی از حقوق خود، جرایم رخ داده را گزارش نمی‌دهند. همچنین، نهادهای اجرایی و قضایی ممکن است به دلیل کمبود تخصص و فناوری‌های لازم، در شناسایی و پیگیری مجرمان دچار مشکلاتی شوند.

مسئله‌ای که در این قسمت بررسی می‌شود، ارزیابی کارآمدی و نقاط ضعف سیاست جنایی واکنشی در قبال بزه‌دیدگی زنان و کودکان در فضای مجازی است. هدف این است که با شناسایی چالش‌ها و موانع موجود، راهکارهایی برای بهبود و تقویت این سیاست‌ها ارائه شود تا بتواند به طور مؤثرتری از حقوق و امنیت زنان و کودکان در فضای مجازی حمایت کند. بررسی این مسئله می‌تواند به ایجاد بستری امن‌تر و مطمئن‌تر برای حضور و فعالیت زنان و کودکان در فضای مجازی منجر شود.

۱-۲. واکنش‌های قانونی در قبال بزه‌دیدگی در فضای مجازی

بخشی از واکنش‌های صورت گرفته در خصوص بزه‌دیدگی اطفال و زنان در فضای مجازی مربوط به قانون‌گذار و وضع قوانین و مقررات مختلف است که در ادامه مهمترین آنها را بررسی خواهیم کرد.



۲-۱-۱. قانون حمایت اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹

از منظر قانون حمایت اطفال و نوجوانان،^۲ سوءرفتار نسبت به اطفال به این معنا است: هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد، از قبیل ضرب و جرح، محبوس کردن، سوءاستفاده جنسی، توهین یا تهدید نسبت به طفل یا نوجوان در صورتی که جنبه تأدیبی نداشته باشد یا قرار دادن او در شرایط سخت و غیرمتمعارف یا خودداری از کمک به وی.

این قانون به‌درستی در خصوص اموری مانند فحشا، ابتذال، مستهجن و هرزه‌نگاری در خصوص کودکان تعریف ارائه داده است:

۱. فحشا: هرگونه به‌کارگیری و یا وادار کردن طفل و نوجوان در فعالیت‌های جنسی برای خود یا دیگری.

۲. مبتذل: هرگونه محتوا یا تصویری که دارای صحنه یا صور قبیحه باشد.

۳. مستهجن: هرگونه محتوا اعم از صوتی یا تصویری که به‌صورت واقعی یا غیرواقعی بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد، آمیزش، عمل جنسی یا اندام جنسی انسان است.

۴. هرزه‌نگاری: تهیه و تولید هر اثری که محتوای آن بیانگر جذابیت جنسی طفل یا نوجوان مانند برهنگی، آمیزش، عمل جنسی یا اندام جنسی باشد.

طبق ماده ۱۰ این قانون نیز، هرکس نسبت به طفل یا نوجوان، آزار یا سوءاستفاده جنسی انجام دهد، در صورتی که مشمول مجازات حد نباشد، با در نظر گرفتن شرایطی مانند وضعیت بزه‌دیدده، شرایط مجرم و آثار جرم، به ترتیب زیر مجازات می‌شود:

۱. آزار جنسی تماسی توسط محارم یا با عنف، به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛

۲. قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان در ابتدای سال ۱۳۹۹ و تقریباً همزمان با قانون کاهش حبس جرایم تعزیری تصویب شد قانون کاهش حبس تعزیری چنان تغییراتی در عمل و نسبت به پرونده‌های جاری و متهمان و محکومان در بند داشت که خیلی زود نقل محافل و جستارهای حقوقی شد و اذهان را به خود متوجه نمود. به‌نحوی که عملاً قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در بدو تصویب مهجور و از نظرها دور ماند البته هرچند اقتران زمانی تصویب دو قانون مذکور دلیل بزرگی بر مهجوریت این قانون در ابتدای تصویب آن شده لیکن عدم بلوغ جامعه نسبت به برخی از مسائل و حمایت‌هایی که در این از اطفال و نوجوان شده است نیز از سوی دیگر دلیل دیگری بر کم‌توجهی نسبت به آن شده است (رزاززاده، ۱۴۰۰).



۲. سایر آزارهای جنسی تماسی، به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی؛
۳. آزار جنسی غیرتماسی توسط محارم یا با عنف، به یکی از مجازات‌های درجه هفت قانون مجازات اسلامی؛
۴. سایر آزارهای جنسی غیرتماسی، به یکی از مجازات‌های درجه هشت قانون مجازات اسلامی؛
۵. بهره‌کشی جنسی از طفل و نوجوان از طریق عرضه، در اختیار گرفتن، وادار یا اجیر کردن برای هرزه‌نگاری یا سوءاستفاده جنسی به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛
۶. در دسترس قرار دادن یا ارائه محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل به طفل یا نوجوان به یک یا چند مجازات درجه هشت قانون مجازات اسلامی؛
۷. استفاده از طفل و نوجوان برای تهیه، تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن یا مبتذل، حسب مورد به میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات مقرر در قانون مربوط؛
۸. واردات، صادرات، تکثیر، انتشار، عرضه، معامله یا بارگذاری محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل که در آن‌ها از اطفال و نوجوانان بهره‌گیری شده و یا حمل و نگهداری آن‌ها به یکی از مجازات‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی؛
۹. برقراری ارتباط با طفل و نوجوان در فضای مجازی به‌منظور هرگونه آزار جنسی یا ارتباط جنسی نامشروع به یکی از مجازات‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی. بر اساس ماده ۱۹ نیز هرکس هویت یا اطلاعات و اسرار طفل یا نوجوان بزه‌دیده یا در وضعیت مخاطره‌آمیز را افشا کند یا جزئیات جرم انجام‌شده توسط طفل و نوجوان یا علیه وی را از طریق رسانه‌های گروهی یا با توزیع، تکثیر، انتشار و نمایش فیلم یا عکس و مانند آن تشریح کند، به‌گونه‌ای که موجب تجری دیگران، اشاعه جرم، آموزش شیوه ارتکاب آن یا بروز هرگونه ضرر یا آسیب به طفل یا نوجوان یا خانواده وی شود، به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.



تبصره: هرگاه توزیع، انتشار و نمایش فیلم یا عکس و مانند آن به صورت محدود و به منظور استفاده علمی یا در جهت مصالح طفل یا کمک به او باشد و همچنین سایر موارد با تشخیص قاضی از شمول این ماده مستثنی است.

با آنکه مطابق ماده ۳۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، تمام جرایم موضوع این قانون را واجد وصف عمومی دانسته، شایسته بود تهدید یک طفل یا نوجوان در فضای مجازی با توجه به گستردگی پیامدهای آن، به طور جداگانه در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، پیش‌بینی می‌شد تا علاوه بر مجازات سنگین‌تر برای آن، برخلاف ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) در زمره جرایم قابل گذشت قرار نمی‌گرفت.

بی‌توجهی و سهل‌انگاری از سوی افراد مندرج در بند الف ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در نظارت یا مراقبت از اطفال یا نوجوانان می‌تواند در بستر فضای مجازی تحقق یابد.^۳ بی‌توجهی و سهل‌انگاری آنها در تماشای تصاویر و فیلم‌هایی در فضای مجازی که مناسب برای سن اطفال و نوجوانان نیست، می‌تواند منجر به پیامدهای ناخوشایند روانی و اجتماعی آنان از قبیل افزایش رفتارهای پرخاش‌گرانه، بی‌اعتنایی نسبت به درد و رنج دیگران و ناتوانی در تمایز قائل شدن میان زندگی واقعی و محرک‌های مجازی گردد. مراقبت والدین از فرزندان خود در فضای مجازی همچون فضای سنتی از جمله وظایف قانونی و شرعی است که در راستای حمایت از طفل یا نوجوان میتوان آن را از مصادیق بند الف ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در نظر گرفت.^۴

گاهی اوقات ممکن است اطفال و نوجوانان در فضای مجازی مورد سوءاستفاده قرار

۳. بند پ ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مقرر می‌دارد: «بی‌توجهی و سهل‌انگاری: کوتاهی در انجام تکالیفی از قبیل تأمین نیازهای اساسی و ضروری طفل و نوجوان یا وظایف مربوط به حضانت و ولایت قیمومت، وصایت، سرپرستی تربیت، نظارت یا مراقبت از آنان توسط والدین اولیا یا سرپرست قانونی یا هر شخصی که مکلف به آن است».

۴. ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مقرر می‌دارد: «موارد زیر در صورتی که طفل یا نوجوان را در معرض بزه دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی وی قرار دهد، وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب می‌شود و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود: بند الف. بی‌سرپرستی طفل و نوجوان یا بی‌توجهی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی و شرعی نسبت به آنان از سوی هر شخصی که مکلف به آن است...».



گیرنده^۵ یا به تعبیری منجر به بزه‌دیدگی‌های برخط یا آنلاین شوند.^۶ مانند استفاده از کودکان‌شان برای تبلیغات و صفحات اینستاگرام خود یا دیگران که نوعی بهره‌کشی از آن‌ها محسوب می‌شود. به‌علاوه، ممکن است در یک شبکه اجتماعی، تصاویری از طفل یا نوجوان منتشر شود که در آن تصاویر، آنان برخلاف میل خود تن به رفتارهای غیرمعارف دهند که با انتشار آن‌ها آسیب‌های روانی و اجتماعی فراوانی متحمل خواهند شد. ازجمله این آسیب‌ها می‌توان به انزواگرایی، احساس شرمندگی، مورد تمسخر افراد جامعه واقع شدن، ترک تحصیل و... اشاره نمود.

این امر درمورد معلمان که از شاگردهای اطفال و نوجوان خود تصاویری می‌گیرند و در محیط فضای مجازی انتشار می‌دهند، نیز صادق است. در این موارد، مقنن در بند ۳ ماده ۳، بند الف ماده ۶ و ماده ۳۲ تدابیر حمایتی را پیش‌بینی نموده است.^۷ گرچه بهتر است مقنن در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، دستورالعمل‌هایی برای انتشار تصاویر اطفال و نوجوانان برای افراد مندرج در بند الف ماده ۱ قانون مذکور و معلمان در نظر می‌گرفت.

۲-۱-۲. قانون جرایم رایانه‌ای

قانون‌گذاری در ایران مانند بسیاری از کشورها، بر اساس یک احساس نیاز اولیه شکل گرفت. بدین معنا که متولیان امر در مواجهه با فضای سایبر احساس کردند که باید قوانینی در کشور وجود داشته باشد. بنابراین، فرآیند قانون‌گذاری در این زمینه

۵. بند ۱ ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مقرر می‌دارد: «سوءرفتار: هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی که سلامت جسمی و روانی اخلاقی یا اجتماعی تعلق و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد، از قبیل ضرب و جرم محبوس کردن سوءاستفاده جنسی توهین یا تهدید نسبت به طفل یا نوجوان در صورتی که جنبه تعدی بین داشته باشد یا قرار دادن او در شرایط سخت و غیرمعارف یا خودداری از کمک به وی».

۶. اصطلاح بزه‌دیدگی‌شناسی سایبری (مجازی) را جایشانکار در سال ۲۰۱۷ برای مطالعه بزه‌دیدگی‌های برخط (آنلاین)، اثر و پیامدهای آن بر بزه‌دیده، و پاسخ‌های جامعه رسمی و غیررسمی به آنها مفهوم‌سازی کرده است (Jaishankar, ۲۰۱۷).

۷. بند ۳ ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مقرر می‌دارد: «سوءرفتار نسبت به طفل و نوجوان و یا بهره‌کشی از او». بند الف ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مقرر می‌دارد: «سازمان بهزیستی کشور مکلف است با استفاده از مددکاران اجتماعی در قالب فوریت‌های خدمات اجتماعی با همکاری شهرداری یا دهیاری و نیروی انتظامی نسبت به شناسایی، پذیرش، حمایت، نگهداری و توانمندسازی اطفال و نوجوانان موضوع این قانون و اعلام موضوعات به مراجع صالح اقدام کند». ماده ۳۲ قانون یادشده مقرر می‌دارد: «مددکاران اجتماعی بهزیستی پس از کسب اطلاع از وضعیت مخاطره‌آمیز موضوع ماده ۳ این قانون حسب مورد تحقیقات و اقدامات مقتضی را از طرق زیر انجام می‌دهد: الف. دعوت والدین، اولیا، سرپرستان قانونی یا سایر اشخاص مرتبط با طفل و نوجوان و در صورت لزوم، دعوت از طفل و نوجوان به همراه آنها ب. مراجعه به محل سکونت، اشتغال و تحصیل طفل و نوجوان و با سایر محل‌های مرتبط به‌همراه ضابطان دادگستری در صورت نیاز».



آغاز شد؛ اما سازوکارهای موجود پاسخ‌گوی نیازهای روز فضای سایبر نبوده و نیست. در نتیجه، قانون باید به‌روزرسانی شود و در این میان استفاده از الگوهای موفق در جهان اجتناب‌ناپذیر است (محسنی، ۱۳۹۷: ۳۲۵).

در قانون جرایم رایانه‌ای نظیر دسترسی و شنود غیرمجاز، جعل رایانه‌ای، کلاهبرداری رایانه‌ای، جاسوسی رایانه‌ای، تخریب و اخلاف در داده‌ها، سرقت رایانه‌ای، جرایم علیه اخلاق و عفت عمومی و... ملاحظه می‌شود که عمدی بودن جرم و داشتن سوءنیت مجرم در ارتکاب جرایم مذکور مورد توجه قرار گرفته است. اما در مورد جرایم ماده ۷۳۳ (ماده ۵ ق.ج.ر.)، ماده ۷۶۹ (ماده ۲۱ ق.ج.ر.) و ماده ۷۵۱ (ماده ۲۳ ق.ج.ر.) راجع به مأموران دولتی که مسئول حفظ داده‌های سری هستند و بر اثر بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی موجب دسترسی اشخاص فاقد صلاحیت به داده‌ها یا سامانه‌های مورد نظر شوند یا ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی و خدمات میزبانی که وظیفه پالایش و فیلتر محتوای مجرمانه را عهده دارند، از روی بی‌احتیاطی زمینه دسترسی به محتوای غیرقانونی یا محتوای مجرمانه را فراهم آورند را مجرم و مستوجب مجازات دانسته است که این امر خود مبین توجه مقنن برای حفظ نظم عمومی و پرهیز از آثار زینبار آن بر روی جامعه و بزه‌دیدگی کاربران اینترنتی است که از نقاط قوت این قانون تلقی می‌گردد (اسلامی، ۱۳۹۵: ۲۶۵).

از سوی دیگر، هرزه‌نگاری کودکان^۸ در لایحه پیشنهادی جرایم رایانه‌ای با تأسی از کنوانسیون جرایم سایبر مورد توجه قرار گرفته بود، ولی در تصویب نهایی قانون‌گذار ایران، برخلاف نظر تدوین‌کنندگان لایحه که همسو با معیارهای جهانی بود، با عدم پذیرش، به رویکرد مطلق هرزه‌نگاری رایانه‌ای مبادرت کرده‌اند. ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای (ماده ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی^۹) که در ذیل فصل «جرایم علیه اخلاق و عفت عمومی» مقرر شده است: «هرکس به‌وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا

۸. Child pornography

۹. «قانون جرایم رایانه‌ای» در ۵۶ ماده و در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در روزنامه رسمی منتشر شد و شماره مواد ۱ تا ۵۴ این قانون به‌عنوان مواد ۷۲۹ تا ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات با عنوان فصل جرایم رایانه‌ای منظور و شماره ماده ۷۲۹ بخش تعزیرات به شماره ۷۸۳ اصلاح شد.



افساد تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از ۹۱ روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»
با بررسی مقررۀ فوق، ضمن کاهش مجازات‌های مقرر شده نسبت به هرزه‌نگاری کودکان در قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند، رویکرد افتراقی در این زمینه به‌دلیل کودکی بزه‌دیده اتخاذ نکرده است (بای و پورقهرمانی، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

۲-۱-۳. قانون نحوه مجازات فعالان امور سمعی و بصری

یکی از بزه‌دیدگان خاص که در محیط رایانه‌ای بیشتر در معرض بزه‌دیدگی خاص هستند، کودکان و بانوان و بهره‌برداری از آنها در هرزه‌نگاری است. در این راستا، مقنن ایرانی در قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند، مصوب ۱۳۸۶، در تبصره ۳ ماده ۳ مقرر نموده است: «استفاده از صغار برای نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکثیر نوارها و لوح‌های فشرده غیرمجاز موضوع این قانون موجب اعمال حداکثر مجازات‌های مقرر برای عامل خواهد بود.»
در نگاه اول، به نظر می‌رسد قانون‌گذار درصدد حمایت کیفری ویژه از کودکان در قبال هرزه‌نگاری^{۱۰} بوده است، در صورتی که چنین نیست؛ زیرا قانون‌گذار به آثار غیرمجاز اشاره کرده است، نه آثار سمعی و بصری مستهجن و مبتذل. بنابراین قانون‌گذار جرایم مذکور در متن، مواد ۱ و ۲ این قانون را مدنظر داشته که جرایم نسبتاً سبکی‌اند و غالباً به نقض حق نشر مربوط می‌شوند (کرامتی معز میرخلیلی، ۱۳۹۹: ۱۱۳).

۲-۲. تصویب لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت

نباید تصور کرد که قانون صرفاً به‌عنوان یک عامل بازدارنده عمل می‌کند، بلکه برخی توجیهات و تخفیف‌ها می‌تواند مانند نیروی محرکه یا مشوق، اعمال خشونت

۱۰. واژه هرزه‌نگاری را می‌توان به نمایش گذاشتن بدن برهنه انسان یا عمل جنسی با هدف برانگیختگی جنسی تعبیر کرد. قانون‌گذار ایران در هیچ‌یک از متون قانونی واژه «هرزه‌نگاری» را به کار نبرده است. در قانون مجازات اسلامی، عبارت «جریحه‌دار کردن عفت و اخلاق عمومی» و «منافی عفت عمومی» به این معنا به کار گرفته شده است (کرامتی معز و عبداللهی، ۱۳۹۵، ص ۳۲۶). بررسی و سنجش آمار و ارقام وضعیت هرزه‌نگاری در جهان و همچنین ارزیابی دلایل طرفداران هر یک از رویکردهای مذکور، مؤید آن است که بهترین واکنش در قبال هرزه‌نگاری، شناخت عوامل موثر در گرایش افراد به آثار هرزه‌نگارانه، فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی از آثار سوء آن بر فرد و جامعه و درنهایت جرم‌نگاری کامل هرزه‌نگاری است (سفیدی، هوشمند و حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۰۱).



را تسهیل کند. خلأهای نظام حقوق کیفری یا حقوق مدنی و نیز برخی تخفیف‌های در نظر گرفته شده در قوانین نسبت به خشونت‌های خانگی چنین نقشی را برعهده می‌گیرند. به نظر می‌رسد زنان از نظر قانونی در شرایط نابرابر با مردان قرار دارند و بازتاب شرایط نابرابر در خانواده به صورت اجبار برای زندگی با مرد خشن تجلی می‌کند (دبال، فیروزه، ۱۳۹۳: ۱۴۱).

از موارد خاص می‌توان به از دست دادن حق سرپرستی و حضانت بر فرزندان اشاره کرد، یا مراحل بسیار دشواری که یک زن از نظر قانون برای اخذ رأی طلاق باید طی کند. هر چند اضافه کردن شروط ضمن عقد تا حدودی برخی حقوق را به زنان می‌دهد، اما در هر صورت در زمانی که زن متقاضی طلاق است، باید مورد عسر و حرج را ثابت کند. اجازه پدر و شوهر بر تمام زندگی زنان سایه افکنده است و این امر حتی برای زنان و مردانی که معتقد به حق تصمیم‌گیری آزاد برای هر کس هستند، صدق می‌کند. به اعتقاد برخی صاحب نظران، علاوه بر معضلات حقوقی، قدرتی نظارتی مردان نیز چالش‌هایی برای زنان ایجاد می‌نماید و مجازات سبک چنین رفتارهایی مشوقی برای افزایش خشونت در جامعه و خانواده است (اعزاز، ۱۳۷۷، ص ۸۴).

معاونت امور بانوان و خانواده به لحاظ ضرورت تدوین قانون خاص برای پیشگیری کیفری از خشونت علیه بانوان و به منظور جرم‌انگاری طیف وسیع انواع خشونت علیه ایشان، اقدام به تدوین این لایحه نموده است، در قوانین ایران، اگرچه هنجارهای مربوط به حمایت از بانوان به صورت پراکنده وضع شده است، لکن تجمیع و انسجام همه قوانین در کنار جرم‌انگاری اشکال جدید مزاحمت و تعدی به حقوق بانوان ایجاب میکند که تدابیر پیشگیرانه و حمایتی از یک سو و مقررات کیفری خاص از سوی دیگر تقویت شود و توسعه یابد (وجدانی فخر، ۱۴۰۱: ۱۲۰).

لایحه مذکور خشونت علیه ایشان را به طور گسترده تعریف میکند و خشونت را هر رفتار عمدی اعم از فعل یا ترک فعل که توسط اشخاص حقیقی یا مقامات و اشخاص حقوقی که به جهت جنسیت نسبت به زن واقع شود و موجب آسیب یا ضرر جسمانی، روانی، حیثیتی و شخصیتی گردد یا موجب محدودیت یا محرومیت آنان از حقوق و



آزادی‌های قانونی زن شود می‌داند.^{۱۱}

اهداف لایحه عبارت است از تأمین امنیت و صیانت از کرامت بانوان، تحکیم مبانی خانواده، افزایش سطح آگاهی عمومی و آموزش‌های اختصاصی در زمینه مقابله با جرایم موضوع این قانون، پیشگیری کیفری از جرایم خشونت‌آمیز علیه ایشان، حمایت از بانوان بزه‌دیده یا در معرض خطر بزه‌دیدگی.

فصل دوم، تشکیلات ساختار و نحوه رسیدگی را مطرح نظر قرار داده است؛ فصل سوم نیز به شرح وظایف دستگاه‌های اجرایی و نهادها در حوزه‌های مختلف اعم از اقدامات پیشگیرانه و حمایتی پرداخته است که یکی از این موارد تشکیل کمیته ملی بین وزارتخانه‌ها برای طراحی راهبردی و هماهنگی پاسخ‌های دولتی به خشونت علیه بانوان اختصاص دارد. فصل چهارم به جرم‌انگاری رفتارها و تعیین مجازات برای مجرمان اختصاص یافته است.

۲-۳. پیش‌بینی و اصلاح قوانین مربوط

اگرچه گاهی نظام حقوقی خشونت را تشویق و گاهی کاستی‌های آن، مقابله با خشونت را مشکل می‌سازد، اما نباید از نقش مقنن در وضع ضمانت‌اجراهای قوی و موثر در خشونت‌های خانوادگی و اعطای جنبه عمومی به جرم همسرآزاری و کودک‌آزاری و تجدیدنظر در آیین دادرسی این‌گونه دعاوی غافل بود (اسدی، ۱۳۸۳: ۷۶).

عدم توجه به جنسیت در ماده ۶۲۱ و ۶۶۸ و ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی و حتی بیان کلی بایدها و نبایدها از حقوق و تکالیف زوجین که تصویری غلط در ذهن عوام

۱۱. در بررسی تعاریف مختلف ارائه‌شده از سوی روان‌شناسان و بزه‌دیده‌شناسان، می‌توان انواع متفاوتی از خشونت را استنباط نمود. در واقع قلمرو خشونت، این اسباب تفوق جمعی بر جمع دیگر، به تناسب اینکه در چه حوزه‌ای و نسبت به چه افرادی و در چه زمانی و توسط چه کسانی رخ می‌دهد، تعیین می‌گردد و به انواع مختلفی تقسیم‌بندی می‌شود. خشونت را میتوان از نظر شکل بروز به انواع عریان (آشکار)، پنهان و نمادین، از نظر سطح آگاهی فاعل هنگام اقدام به خشونت؛ به انواع آگاهانه، ناآگاهانه و ناخواسته، از نظر کیفیت آسیب؛ به خشونت روانی (روحي)، خشونت فیزیکی (جسمانی) و خشونت جنسی تقسیم‌بندی نمود. همچنین از این نظر که خشونت علیه چه کسی اعمال می‌شود، به انواع متفاوت خشونت علیه زنان، کودکان، سالمندان، معلولان و اقلیتها با لحاظ نژاد، رنگ، قومیت، زبان و غیره تقسیم‌بندی شده است. طبقه‌بندی خشونت فیزیکی مستقیم، خشونت نهادینه، خشونت ساختاری و خشونت نمادین یا فرهنگی، همچنین خشونت‌های مجاز (خشونت‌های قانونی و غیرقانونی، ضروری و غیرضروری و مفید و مضر) و غیرمجاز، خشونت‌های فیزیکی و غیرفیزیکی و خشونت‌های فردی و اجتماعی از جمله دیگر طبقه‌بندی‌های ارائه‌شده است (ابوالحسنی و طه، ۱۳۹۶: ۱۹)؛ با عنایت به تقسیم‌بندی‌های فوق و بر مبنای ماده ۳ لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت، خشونت را به سه دسته الف. خشونت جسمی ب. خشونت روانی پ. خشونت جنسی تقسیم کرده‌اند.



ایجاد می‌کند، از مصادیق نواقص مقررات موجود است که به اعتقاد برخی، موجب رسوب تصورات در فرایند قضایی می‌شود (مولاوردی، ۱۳۸۱، ص ۹). برای مثال ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی و اعطای حق ریاست خانواده به شوهر این نتیجه را به ارمغان می‌آورد که همه فعالیت‌های زن و حتی دیدار وی با والدینش باید با اجازه شوهر باشد. حقوق کیفری ایران با جرم‌انگاری برخی از رفتارهای خاص که زنان بیشتر از رهگذر آن‌ها بزه‌دیده می‌شوند (مانند: مواد ۶۱۹ و ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی) به حمایت کیفری ویژه از زنان بزه‌دیده اقدام کرده است و گاه با حمایت کیفری کمتری از زنان در برابر مهم‌ترین جرم‌های علیه تمامیت جسمی مانند: قتل، قطع عضو، ضرب و جرح و... (مواد ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۷۳ و ۳۰۰ قانون مجازات اسلامی) رویکرد تبعیض منفی را اتخاذ کرده است. در مورد حمایت قانونی ویژه از زنان بزه‌دیده در فرایند کیفری نیز خلأهای فراوانی وجود دارد؛ زیرا زنان بزه‌دیده در ایران معمولاً از شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناسبی برای ورود به فرایند کیفری و ادامه آن بهره‌مند نیستند.

۲-۴. حمایت کیفری سازمان‌های مردم‌نهاد از بزه‌دیدی کودکان و بانوان

دیر زمانی نیست که گرایش به سیاست جنایی بر پایه مشارکت هرچه وسیع‌تر و فعال‌تر ارکان جامعه مدنی به‌ویژه مردم، شکل گرفته است. این راهبرد بیانگر مشارکت مردم و نهادهای غیررسمی و غیردولتی چه در امر پیشگیری از بزه‌دیدی و چه در واکنش نسبت به جرایم و انحرافات اجتماعی است (صالحی و اصغرزاده، ۱۴۰۰: ۱۲۷). مردم و جوامع مدنی از طریق اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی عمومی (ارتباطات)، جلب مشارکت مردمی (بسیج عمومی)، جذب سرمایه‌ها و منابع کوچک مردمی (بسیج منابع)، ایجاد، گسترش و تقویت هماهنگی بین دولت و مردم، گسترش نظارت عمومی و ارزیابی فعالیت‌ها، افزایش بهره‌وری در استفاده از منابع و هنجارسازی عمل می‌کنند که در این بین سه موضوع، جلب مشارکت مردمی، بسیج منابع و نظارت و ارزیابی از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار هستند و نقش آن‌ها در موضوع پیشگیری بسیار تاثیرگذار است. به‌واقع می‌توان گفت شکست رویکردهای انحصارطلبانه در مبارزه با انحرافات اجتماعی و پیشگیری از بزهکاری موجب شده است که از حدود نیم قرن اخیر، دولت‌ها به اتخاذ رویکردهای مشارکتی مبادرت نمایند (سلیمانی، ۱۳۹۵: ۲).



بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) جزء اصلی‌ترین ابزارها در اجرای سیاست‌های مذکور است. ورود تخصصی سمن‌ها به موضوعات مربوط به حقوق عامه سبب می‌شود تا چنانچه به خوبی از آن‌ها بهره‌گیری شود، اقدامات مؤثری در احیای حقوق عامه صورت پذیرد (مرندی، ۱۴۰۰: ۲۲۷).

یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در خصوص توجه به حقوق بزه‌دیده، محقق ساختن آموزه‌های سیاست جنایی مشارکتی و مشارکت سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد در تعقیب مجرمان است (مهمدی، ۱۳۹۲: ۲۹)، با توجه به ماده ۶۶ قانون مذکور، مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد را به برخی از جرایم خاص یا فاقد بزه‌دیده و بزه‌دیدگان خاص به‌ویژه کودکان و بانوان، محدود کرده‌اند.

نهادهای مردمی حامی کودکان، در عرصه مبارزه با بزه‌دیدگی کودکان در شبکه‌های اجتماعی مجازی و دفاع از حقوق این گروه آسیب‌پذیر، از جهات مختلف به نظام عدالت کیفری یاری می‌رسانند و از این رهگذر، اهداف خود را دنبال می‌کنند. از یک سو با اعلام و گزارش جرایم علیه کودک در جهت کشف و تعقیب جرایم کمک می‌کنند و از سوی دیگر با نقش‌آفرینی خود، در فرآیند کیفری به بزه‌دیدگان این قبیل جرایم یاری می‌رسانند. همچنین با حساس‌سازی افکار عمومی و تبلیغات و اطلاع‌رسانی ایفای نقش می‌کنند (کرامتی معز، ۱۳۹۹: ۷۲).

نهادهایی از این دست می‌توانند از طریق ابزارهای چون رسانه‌های گروهی، زمینه تحقق یک دادرسی عادلانه را فراهم سازند؛ زیرا حضور رسانه‌ها در جلسات دادگاه‌ها به‌منظور آگاه‌سازی مردم در پرتو علنی بودن رسانه‌ها، نه تنها به انجام دادرسی‌های منصفانه کمک می‌کند، بلکه در نقد عادلانه و به دور از غرض‌ورزی دادگاه‌ها و تصمیم‌های قضایی نیز می‌تواند مؤثر باشد.^{۱۲} به‌طور مثال، حضور مشاوران یا دادرسان مردمی در دادگاه‌های اطفال نمودی از سیاست جنایی قضایی مشارکتی است. بنابراین،

۱۲. به‌دلیل محدودیت‌های ناشی از واگذاری حق طرح شکایت و دعوی خصوصی به نهادهای مدنی مذکور، قانون‌گذار ایرانی با اتخاذ رویکردی بسیار حداقلی در زمینه شروع فرآیند تعقیب و تحقیق، فقط حق اعلام جرم را به این نهادها اعطا کرده است که به نظر می‌رسد براساس ماده ۶۵ به همه شهروندان (اشخاص حقیقی) اعطا شده و قانون‌گذار دامنه اعلام جرم را به این اشخاص حقوقی البته تحت شرایط خاصی اعطا کرده است. براساس تبصره ۱ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری یکی از شرایط اعلام جرم سازمان‌های مردم‌نهاد در جرایم علیه کودکان، رضایت ولی یا سرپرست قانونی و در صورت ارتکاب جرم توسط خود آن‌ها، رضایت قیم اتفاقی با تأیید دادستان است. این سخت‌گیری با اهداف حمایتی مربوط به کاهش رقم سیاه وقوع جرایم علیه کودکان و افزایش بزه‌دیدگی‌های گزارش شده در تضاد است (زینالی، ۱۳۹۳: ۵۱).



وضع ماده ۶۶ ق.آ.د.ک اقدامی مثبت در راستای تقویت نقش سازمان‌های غیردولتی و مردمی در فرآیند کیفری کمک به بزه‌دیده است که شرایط خاص برای ادامه و پیگیری جرم را ندارد. در واقع می‌توان گفت رویکرد مشارکتی سازمان‌های مردم‌نهاد متأثر از بزه‌دیده‌شناسی حمایتی است.

نتیجه‌گیری

تحلیل رویکرد سیاست جنایی ایران در قبال بزه‌دیدگی زنان و کودکان در فضای مجازی نشان می‌دهد که هرچند گام‌هایی در جهت حمایت از این گروه‌های آسیب‌پذیر برداشته شده است، اما هنوز چالش‌ها و نواقص قابل توجهی وجود دارد که نیازمند توجه و اصلاح جدی هستند.

نخستین و مهم‌ترین چالش، کمبود قوانین جامع و به‌روز در زمینه جرایم سایبری و حمایت از بزه‌دیدگان این حوزه است. قوانین موجود در بسیاری از موارد پاسخ‌گوی نیازهای پیچیده و متنوع فضای مجازی نیستند و به‌روزرسانی و تکمیل آنها امری ضروری به نظر می‌رسد. همچنین، لازم است تا رویکردی هماهنگ و همگرا بین نهادهای مختلف قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی ایجاد شود تا برخورد با این جرایم به صورت مؤثرتر انجام پذیرد.

دومین چالش، ضعف در اجرای قوانین و کمبود تخصص و فناوری‌های لازم برای شناسایی و پیشگیری جرایم مربوطه است. نهادهای مسئول باید با استفاده از فناوری‌های نوین و بهره‌گیری از کارشناسان متخصص، توانایی‌های خود را در مقابله با جرایم سایبری افزایش دهند. تقویت همکاری‌های بین‌المللی نیز می‌تواند در این زمینه بسیار مؤثر باشد، چراکه جرایم سایبری اغلب دارای ابعاد فراملی هستند.

سومین چالش، عدم آگاهی کافی زنان و کودکان از حقوق خود و روش‌های پیشگیری و مقابله با بزه‌دیدگی در فضای مجازی است. آموزش و فرهنگ‌سازی در این زمینه باید به‌عنوان یک اولویت مورد توجه قرار گیرد. مدارس، خانواده‌ها و رسانه‌ها نقش مهمی در افزایش آگاهی عمومی و ارائه راهنمایی‌های عملی به زنان و کودکان دارند. درنهایت، تقویت حمایت‌های روانی و اجتماعی از بزه‌دیدگان نیز از اهمیت بالایی



برخوردار است. ایجاد مراکز مشاوره و حمایت‌های روانی، ارائه خدمات حقوقی رایگان و ایجاد شبکه‌های حمایتی می‌تواند به کاهش آثار منفی بزه‌دیدگی و بازگشت به زندگی عادی کمک کند.

در مجموع، رویکرد سیاست جنایی ایران در قبال بزه‌دیدگی زنان و کودکان در فضای مجازی نیازمند اصلاحات و بهبودهایی است که بتواند با چالش‌های پیش‌رو به‌طور مؤثر مقابله کند. با به‌کارگیری رویکردهای نوین و جامع، می‌توان محیطی امن‌تر و حمایتی‌تر برای زنان و کودکان در فضای مجازی فراهم آورد و از حقوق و امنیت آن‌ها به‌طور بهتری حفاظت کرد.

پیشنهادها

- ۱) پیش‌بینی قوانین جامع و به‌روز در زمینه جرایم فضای مجازی و حمایت از بزه‌دیدگان؛
- ۲) بهره‌گیری از کارشناسان متخصص و فناوری‌های لازم برای شناسایی و پیشگیری جرایم فضای مجازی؛
- ۳) آموزش و آگاهی‌رسانی زنان و کودکان از حقوق خود و روش‌های پیشگیری و مقابله با بزه‌دیدگی در فضای مجازی؛
- ۴) تقویت حمایت‌های روانی و اجتماعی از کودکان و زنان بزه‌دیدگان در فضای مجازی؛

منابع

۱. ابوالحسنی، سلامه و طه، فریده (۱۳۹۶). خشونت خانگی: بررسی حقوقی - جرم‌شناختی اسناد سازمان ملل، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۲. اسدی، لیلیاسادات (۱۳۸۳). «مهار خشونت‌های خانگی از قانون تا اخلاق»، کتاب زنان. سال ششم. تهران: شماره ۲۳.
۳. اسلامی، ابراهیم (۱۳۹۵). جرم سایبری و بزه‌دیده سایبری، چاپ اول، تهران: انتشارات افروز.
۴. اعزازی، شهلا (۱۳۷۷). «خشونت خانگی بازتاب ساختار جامعه»، مجله انجمن



- جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴.
۵. سفیدی، سپیده؛ هوشمند، پونه و حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۶). «بررسی حقوقی جرم‌شناسی هرزه‌نگاری جنسی کودکان»، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۰، شماره ۳۸.
۶. سلیمانی، رضا (۱۳۹۵). «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم». خرم‌آباد: اولین همایش ملی آینده‌پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی.
۷. شاه‌محمدی، غلامرضا و تاهو، منصور (۱۳۹۳). «بررسی شیوه‌های پیشگیری از جرایم سایبری؛ مبتنی بر فناوری اطلاعات»، فصلنامه علمی پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، دوره ۹، شماره ۳۵.
۸. رزاززاده، امیرحسین (۱۴۰۰). کارگاه حقوقی حمایت از اطفال و نوجوانان، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
۹. زینالی، امیرحمزه (۱۳۹۳). «سازوکارهای حقوق کیفری ایران در زمینه اعمال حق دادخواهی کودکان بزه‌دیده (حق بر شکایت کودک)»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، سال اول، شماره ۳.
۱۰. صالحی، کریم و علی‌اصغرزاده، فاطمه (۱۴۰۰). «سیاست جنایی مشارکتی و اجرایی ایران در قبال خشونت کلامی»، مطالعات حقوق، شماره ۲۱.
۱۱. علیزاده طباطبایی، زهرا سادات (۱۴۰۱). تدابیر سیاست جنایی سالم‌سازی فضای سایبر، دانشنامه رفتار سایبری، به کوشش باقر شاملو، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۱۲. دبال، فیروزه (۱۳۹۳). بزه‌دیدگی زنان توسط شوهران با تأکید بر یافته‌های آماری شهر زنجان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه پیام نور کرج.
۱۳. کرامتی معز، هادی (۱۳۹۹). بزه‌دیدگی کودکان در شبکه‌های مجازی، چاپ اول، تهران: انتشارات دادگستر.
۱۴. کرامتی معز، هادی و میرخلیلی، سید محمود (۱۳۹۹). «نقد سیاست‌های پالایش فیلترینگ) در پیشگیری از بزه‌دیدگی نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی مجازی



به‌عنوان محیطی نوین از جغرافیای انسانی»، فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، دوره ۱۲، شماره ۴۶.

۱۵. محسنی، فرید (۱۳۹۷). نظریه‌های جرم‌شناسی، چاپ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

۱۶. مرندی، الهه (۱۴۰۰). «سیاست جنایی مشارکتی در احیای حقوق عامه با بهره از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۶، شماره ۹۶.

۱۷. منصورآبادی، عباس، میرخلیلی، سیدمحمود و کرامتی معز، هادی (۱۴۰۰). «پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان در شبکه‌های اجتماعی مجازی با تأکید بر نقش نظارتی شورای عالی فضای مجازی و پلیس فتا»، فصلنامه علمی مطالعات بین‌المللی پلیس، دوره ۱۲، شماره ۴۶.

۱۸. مهمدی، گلشن (۱۳۹۲). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه کاشان.

۱۹. مولاوردی، شهین‌دخت (۱۳۸۱). نقش قانون و امحایا ابقای خشونت علیه زنان. تهران: انتشارات دنیا.

۲۰. وجدانی فخر، مهدیه (۱۴۰۱). بزه‌دیدگی‌شناسی آبی، چاپ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

۲۱. بای، حسینعلی و پورقهرمانی، بابک (۱۳۸۸). بررسی فقهی - حقوقی جرایم رایانه‌ای، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲۲. Cansu Caglar, ۲۰۲۳, "Digital Age of Consent under the GDPR" available at: <https://euconsent.eu/digital-age-of-consent-under-the-gdpr>.

۲۳. Jaishankar, K. , Halder, Bebarati, ۲۰۱۷, "Cyber Victimology: Decoding Cyber Crime Victimization", ۱st Published, Taylor&Fransis.

۲۴. Marzban, E. , & Rezayan, A. ۲۰۲۰. "Futures of Iranian Children and Teenagers Engagement in Cyberspace", journal of cyberspace studies, volume ۴. No ۲.

